

جایگاه اول ماه می و بحران کنونی سرمایه داری!

اسماعیل مولودی

esmail-m@hotmail.com

اول ماه می امسال در شرایطی خاص برگزار میشود. امروز در شرایطی کاملا متفاوت به استقبال اول می میرویم. دنیای سرمایه داری در بحران مالی و تولیدی عمیقی فرو رفته است. هر روزه بر خیل بیکاران اضافه میشود و هر روزه سرمایه داران با تهدیداتی بیشتر برای حمله به سطح معیشت مردم به بازار میآیند. بحران کنونی از قاعده و هویت سرمایه داری مجزا نیست اما بنا به خصوصیت سرمایه هر دوره به نوعی این دمل چرک کرده سرمایه داری سر باز میکند و دنیا را با تعفن کثیف خود به کام ورشکستگی و نابودی میکشاند. امکانات رفاهی که محصول مبارزات چند دهه کارگران و مردم آزادیخواه است. دولت رفاه که حاصل مبارزات مردم بود به دولت تاراج امکانات اجتماعی از مردم تبدیل شده اند. سازمانها و تشکلهای سرمایه داری و حتی احزاب متهم هستند که از ثروت جامعه مبالغ هنگفتی را بعنوان پاداش برای خود بر داشته اند. پاداش هایی که روسای بالای بانکها و موسسات دولتی برای همدیگر تصویب کرده اند و حال وقتی گند کار بالا آمده دارند همدیگر را افشا میکنند. (وقتی گاری به سر بالایی میرسد ، اسبها همدیگر را گاز میگیرند)

سرمایه داران و دولتهایشان بحران ایندوره را با بحرانهای دهه ۱۹۳۰ مقایسه مینمایند. بحرانی باعث بیکاری میلیونی کارگران و سرکار آوردن فاشیسم در اروپا شد. هم اکنون حزب در قدرت در ایتالیا در انتخابات اخیر در همکاری با احزاب فاشیست و دست راسی بزرگترین حزب ایتالیا را درست کرده اند. از قبل این اوضاع همگی دولتهایی که زمانی مجری قوانین انسانی در جامعه اروپا بودند. اکنون به انواع فشار و تهدیدات متوسل شده اند تا سطح توقع و معیشت مردم را پایین نگهدارند. قوانین غیر انسانی علیه مهاجرین و پناهندگان، قوانین سخت در بیمه بیکاری بوجود آوردن، پایین آوردن (در بعضی موارد قطع) کلیه سوبسیت‌های دولتی به مردم. همه و همه تلاش سرمایه داران و دولتهایشان است که بار بحران را به گرده مردم کارگر و مزدبگیر جامعه بیاندازند.

تنها سازمانهای مستقیما سرمایه داری مثل گروه‌های ۷ و ۸ و گروه ۲۰ نیستند که تلاش میکنند بار بحران مالی و صنعتی کنونی را به گرده مردم بیاندازند. در جریان گرده همایی اخیر گروه ۲۰ در لندن سازمانها و سندیکا‌های زرد کارگری مثل کنفدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری آی تی یو سی و کمیته مشورتی اتحادیه های کارگری موسوم به تی یو آ سی (ITUC) (TUAC) در سازمانهای همکاری اقتصادی و توسعه او ای سی دی (OECD) یعنی رؤسای بالای جنبش اتحادیه ای در سطح جهانی همزمان اطلاعیه ای مشترک نوشتند تا کمک کنند که چگونه سرمایه داری بر بحران کنونی موفق شود. همه نکات این اطلاعیه آرزوی طبقه سرمایه دار و اقتصاددانان سرمایه داری بوده و هست. این اطلاعیه راه نشان دادن به سرمایه داری جهانی است که چگونه بتواند برای نجات خود از این بحران نجات دهند. مفاد این اطلاعیه سند به مسلخ بردن طبقه کارگر

در بحران سرمایه داریست، این اطلاعیه گویای حقیقت ثابت شده ای است که سندیکا ابزار دست سرمایه داران است برای جلوگیری رادیکالیسم طبقاتی کارگران. مفاد اطلاعیه آریستوکراسی اتحادیه های زرد کارگری این هاست:

۱. سازماندهی یک بهبود هماهنگ بین المللی و رشد اقتصادی پایدار برای اشتغال و تضمین سرمایه گذاری دولتی.

۲. ملی کردن بانکهای ورشکسته و تنظیم سیاستهای جدید مالی

۳. اقدام برای مقابله با خطر کاهش دستمزدها و معکوس کردن روند چندین دهه بی عدالتی فزاینده

۴. یافتن یک {هار چ.ب بین المللی قانونی برای تنظیم اقتصاد جهان همراه با اطلاع سیاست نهادهای مالی و اقتصادی جهان (صندوق بین المللی پول، بانک جهانی، سازمان همکاری اقتصادی و توسعه و سازمان تجارت جهانی)

آقای گاری رایدنر مسئول کنفدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری و شرکا با مفاد این اطلاعیه آرزو های چندین ساله سرمایه داران را فرموله کرده و تلاش مینمایند با انواع ترفند خاک به چشم کارگران بپاشند. هدف این اطلاعیه سازمان دادن حمله بیشتر به حقوق طبقه کارگر و تضمین رشد اقتصادی برای سرمایه چیز دیگری نیست. این یعنی همراه کردن جنبش کارگری و طبقه کارگر که گویا جامعه میتواند سرمایه داری و سرمایه دار بدون بحران را سازمان داد. این یعنی تبلیغ و القای ارتجاعی ترین ذهنیت به طبقه کارگر و در یک کلام کارگران را قربانی اهداف سرمایه داری کردن زیر نام تشکل دفاع از حقوق اقتصادی طبقه کارگر جهانی. اگر به تک تک مواد این اطلاعیه نگاه کنید همه اش آب توبه روی سر سرمایه ریختن و غسل تعمید دادن آن به قیمت فقر بیشتر بکاگران و از بحران نجات دادنجامعه استثمار. کنفدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری و شرکایش دارند رل میانجی طبقاتی بین سرمایه داران و کارگران بازی میکنند. کنفدراسیون و شرکایش صدای اعتراضات کارگران را در دنیا شنیده اند، میخواهند هم کارگران را از حرکتهای رادیکال و کارگری بر حذر دارند و هم به سرمایه داران بگویند که مواظب خود باشند. حرکت وسیع و قدرتمند کارگران و مزد بگیران در ۲۹ ژانویه ۲۰۰۹ در فرانسه، به گروگان گرفتن کارخانه داران و مسئولین شرکت کاتر پیلار در فرانسه است. تظاهرات کارگران گرسنه در هند، اعتراضات کارگری در اسپانیا و اعتراضات اخیر در ایتالیا علیه سیاست راسیستی پناهندگی، پشتیبانی کارگران فرانسه ای خواستهای کارگران در ایران، اینها جرعه های است که کنفدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری را واداشته تا وظیفه تاریخی خود در قبال سرمایه را انجام دهند. زیرا به حکم وظیفه جنبش اتحادیه ای بر حذر داشتن کارگران از اعتقاد به حکومت کارگری و نیز منوط کردن قدرت جنبش کارگری به اصلاحات اقتصادی و ایجاد این شبه در صفوف کارگران که میشود سرمایه داری خوب و با انصاف داشت.

کلا طبق منطق سندیکالیسم و جنبش اتحادیه ای کنفدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری مشاور سرمایه داران هستند. کارشان به سکوت کشاندن طبقه کارگر و نیز در خواست از سرمایه دار که مقداری انصاف بخرج دهند، است. در صورتیکه کارگران و سرمایه داران در زندگی اجتماعی و در خواستگاه طبقاتی خود دو عنصر و دو هویت کاملا متفاوت دارند. سرمایه دار بدون مکیدن شیره جان و مال کارگران نمیتوانند به حیات خود ادامه دهند و کارگران برای خلاصی از برزخ سرمایه داری حتما باید به حکومت کار مزدی و استثمار انسان از انسان پایان دهند تا بتوانند در دنیا آسایش و رفاه برای جامعه و خود و خانواده هایشان ایجاد کنند. پس هویت سرمایه دار و کارگر هیچگونه نقطه مشترکی در رابطه با نوع زندگی و اداره جامعه نداشته و ندارند. بهمین خاطر است که منافع شان در مقابل همدیگر است. مفاد اطلاعاتی کنفدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری و شرکایش ربطی به منافع پایدار طبقه کارگر ندارد بلکه پائسمانی است بر یک دمل چرکین که سرمایه داری مصیبتش است.

جایگاه اول می و وظیفه ما کارگران!

امسال ما کارگران و مردم ستمدیده در این فضا به اسقبال اول مه میرویم. اول می که نیت و اساسش سازمان دادن اتحاد و همبستگی کارگری است برای رهایی از ستم و استثمار سرمایه داری. اول می روز اتحاد و همبستگی ماست برای برداشتن استثمار انسان از انسان و ایجاد دنیایی بهتر و پر از رفاه و آسایش برای همه. طبق هویت جنبش اول ماه می، اول می، باید روز اتحاد و همبستگی ما کارگران باشد در مقابل دمدنشی سرمایه داران. اول می سال ۱۸۵۶ وقتی کارگران خواستار یک روز تعطیلی کار شدند با مبارزه متحدانه خود آنرا به سرمایه داران تحمیل کردند. همین خواست گسترش پیدا کرد تا در سال ۱۸۸۴ کنگره کارگران در آمریکا تصمیم گرفت اول می را برای مبارزه برای دستیابی به ۸ ساعت کار در روز براه انداختند و موفق شدند. سرانجام در سال ۱۸۸۹ در کنگره انترناسیونالیستی سوسیالیستی دوم در پاریس، اول می بعنوان روز جهانی کارگران در دنیا تصویب شد. روز اول می از آن سال به جنبش مبارزاتی کارگران تبدیل شد. در سراسر دنیا با تلاشها و مبارزات کارگران اول می گسترش یافت و حربه ای شد در دست کارگران برای مقابله با تجاوزات سرمایه.

امروز بعد از گذشت یکصد و پنجاه و سه سال از آنروزهنوز مسئله اتحاد و همبستگی کارگران نیازی فوری و مبرم است. دنیای سرمایه داری در یک بحران عمیق دست و پا میزند. امروز دولتهایی که حافظ منافع سرمایه دارانند میخواهند با پول و امکانات اجتماعی مردم بانکهای سرمایه داران را از ورشاستگی نجات دهند. امروز بیش یک میلیارد نفر در سراسر دنیا در بیکاری و فقر بسر میبرند. هر روزه سرمایه داران با بیکارکردن هزاران کارگران تلاش میکنند زندگی اجتماعی و خانوادگی کارگران را به نابودی بیشتر و بیشتری بکشانند. امروز با مطرح کردن پایین آوردن دستمزد کارگران و در همان حال حدادی کردن نیروهای سرکوب در جامعه سرمایه داران میکوشند بار گران بحران را بر گرده کارگران بگذارند و هم اکنون صد ها میلیون خانواده کارگری در دنیا زیر خط فقر زندگی

میکنند. امروز فرزندان کارگران در آسیا، آمریکای لاتین، جنوب شرقی آسیا و آفریقا کلاسهای درس را ترک میکنند تا در بازار کار نیروی خود را بفروشند و دنیای کودکی شان به جهنم تبدیل شود. به هند نگاه کنید، به بچه های کارگران در اروپا نگاه کنید که همراه والدینشان در گتوهای حاشیه شهرهای اروپایی زندانی هستند. خود و یا فرزندانشان قربانی باندهای جنایتکار و بزهکار میشوند. به فروش انسان، فروش اجزاء بدن انسانها، به فحشا و تنفروشی آدمها از زن و مرد نگاه کنید. اینها نمونه های بارزی هستند که نشان میدهند چگونه انسان قربانی و برده سیستم سرمایه است و چگونه سرمایه داران زیرکانه میخواهند بار بحران مالی و اقتصادی خود را به مردم و جامعه تحمیل کنند.

آری امسال اول مه در این چنین فضای غیر انسانی و غیر انسانی تر از هر وقت دیگر برگزار میشود. جواب کارگران تسلیم شدن در مقابل سیاستهای کنفدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری و شرکایش نیست، جواب کارگران دادن سوبسیت به سرمایه داران از اموال و دارایی جامعه نیست، جواب کارگران ملی کردن بانکهای ورشکسته و یا در حال ورشکسته شدن نیست، جواب کارگران کمک به پایین آوردن مزد خود نیست برای اینکه کارخانه از ورشکستگی نجات یابد و ما کارگران بیشتر استثمار شویم. جواب کارگران و مردم فقیر در این شرایط تلاش برای رفع بحران سرمایه داری نیست. اول می و درسهای اول می میگویند با صف متحد در مقابل سرمایه ایستادن و تلاش برای دنیایی آزاد و دور از استثمار.

جواب ما کارگران و مردم زحمتکش از زبان کارگران معترض انگلیسی در میابند که (اعتراض به تجمع گروه ۲۰ در برلین در روز ۲۸ مارس ۲۰۰۹) در خیابانها لندن فریاد میزدند:

یکی از کارگران به نام جیرمی جور همه جامعه را به اعتصاب فرا خواند و گفت: اگر تظاهرات نکنیم اگر خشم و اگر اعتراض خود را علنی در خیابانها ابراز نداریم، بچه هایمان از این گرسنه تر میشوند، بی لباس و کفش خواهند بود و خانواده ها یمان از این گرسنه تر خواهند شد. او خطاب به کارگران و همه افراد نادر در جامعه گفت باید با تظاهرات، اعتصاب در کارخانه ها، اشغال کارخانه ها و بهر وسیله ای که میتوانیم با ید صدای خود را علیه این وضع به گوش جهانیان برسانیم.

یکی دیگر از کارگران بنام ستوارت مالوین: گفت گروه ۲۰ کارش و استرژیش تحمیل فقر بیشتر به ما کارگران و اقشار فقیر در جامعه است. گروه ۲۰ کارش از بین بردن حقوق حقه کارگران و به نابودی کشاندن محیط کار و زندگی ما انسانهاست. تنها الترناتیو ما مردم کارگر و زحمتکش این است که بیرون بیاییم، متحد شویم و در مقابل این وضعیت غیر انسانی به ایستیم. ما نباید اجازه دهیم بر محیط کار و زندگی ما کنترل داشته باشند و اینکار تنها با اتحاد و همبستگی ما ممکن خواهد بود.

یا در ایران در تجمع کارگران برای اضافه دستمزد کارگران میگویند: ما تولید کنندگان اصلی تمامی ثروتها و نعمات موجود در جامعه هستیم و این حق مسلم ماست که فقط با اشتغال در ساعات

رسمی کار، چنان دستمزدی دریافت کنیم که ضمن بر خورداری از رفاه و آسایش، دیگر مجبور نشویم به اضافه کاریهای طاقت فرسا و شغل دوم تن در دهیم.

اینها جواب ما کارگران و مردم ستمدیده به بحران سرمایه دارن در روز اول می باید باشند که همطبقه ای هایمان در جمع هزاران کارگر در خیابانهای لندن، برلین، پاریس و تهران برای ما کارگران و مردم زحمتکش فرموله کردند و دقیقا در جهت و راستای هویت اول مه و مانفیسست کمونیست است.

اول ماه می امسال باید بیشتر از هر زمانی متحد شویم چون بحران سرمایه داری میتواند پشت جبهه خوبی برای رسیدن به اهداف انسانی ما کارگران باشد. برای ایجاد دنیایی پر از آسایش و رفاه دنیایی بهتر.

جواب ما کارگران باید در مخالفت با طرح کنفدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری و شرکایش باشد. ما کمونیستهای کارگری از زمان مارکس تاکنون از هر گونه تشکل یابی که بتواند طبقه کارگر را یک قدم به یک زندگی انسانی نزدیک کند حمایت میکنیم. اما در دنیای امروز و در مبارزه گسترده و همه جانبه با سرمایه داری آن تشکلی میتواند جوابگوی نیاز امروز مبارزات کارگری باشد، شوراهای محل کار و زندگی کارگران و مردم زحمتکش است. ایجاد مجامع عمومی که اراده مستقیم و مستقل طبقه کارگر را نشان میدهد، ضامن دخالت مستقیم کارگران در سرنوشت خود است. تجربیات تاریخی چه در جهان و چه در جنبش کارگری ایران نشان داده که ایجاد مجامع عمومی و حاکمیت شورایی طبقه کارگر و مردم زحمتکش میتواند خواستهای آنها را برای ایجاد یک دنیای بهتر به واقعیت برساند.

زنده باد اول می

۳۰ فروردین ۱۳۸۸ برابر با ۱۹ ماه آوریل ۲۰۰۹